

بررسی علل و عوامل حاکمیت تفکر چپ مغزی (مهندس زدگی) در نظام تصمیم گیری ایران در دولت‌های بعد از انقلاب

محمود ولی زاده ۱ و رضا دلآوری ۲

۱_ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران mahvalizadeh46@gmail.com

۲-استاد، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، (نویسنده مسئول) ایمیل

rdelavari2007@gmail.com

چکیده

راست مغزی و چپ مغزی از مباحث میان رشته ای است که با وجود اهمیت بسیار در کشور ما بکر مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه با استفاده از روش تحقیقی توصیفی و با گردآوری منابع کتابخانه ای با استفاده از کلیدواژه ها، چپ مغزی، تفکر چپ مغزی، مهندس زدگی، تصمیم گیری، نظام تصمیم گیری، دولت‌های پس از انقلاب و... در پایگاه های علمی مختلف اعم از سیویلیکا، ایران داک، گوگل اسکولار، پایگاه علمی جهاد دانشگاهی، پرتال جامع علوم انسانی و... به بررسی بررسی علل و عوامل حاکمیت تفکر چپ مغزی (مهندس زدگی) در نظام تصمیم گیری ایران در دولت‌های بعد از انقلاب پرداخته شد. طبق نتایج به عمل آمده شد در سطوح عالی برنامه ریزی بیشتر نیازمند تحلیل های استراتژیک و مدیریتی می باشد و در سطوح میانی و اجرایی، مستلزم تحلیل های عملیاتی و مهندسی می باشد. این دو نوع نگاه تحت عنوان راست مغزی و چپ مغزی دسته بندی می شود. در ایران به نظر می رسد که یکی از آسیب های مهم ساختار تصمیم گیری نفوذ چپ مغزی در مشاغل است که باید با راست مغزی به پیش رود. این چنین آسیب و آفتی را می توان مهندس زدگی نامید که متأسفانه دامنه گیر مقوله سیاست های ایران و تصمیم گیری های دولت بعد از انقلاب شده است. لذا باید به این مساله بسیار توجه داشت و در راس مسائل مدیریتی قرار داد.

واژه‌های کلیدی: راست مغزی، چپ مغزی، تفکر، مهندس زدگی، نظام تصمیم گیری

مقدمه

انسان که از لحاظ مغزی در بالاترین مرحله زنجیره تکاملی موجودات زنده زمینی قرار دارد از لحاظ خصوصیات راست مغزی و چپ مغزی به مرور زمان خود را بسیار ویژه نموده و می توان مهم ترین تفاوت او با موجودات دیگر را در همین مولفه جستجو کرد (نوری مطلق، ۱۳۸۹). در واقع راست مغزی و چپ مغزی از مباحث میان رشته ای است که با وجود اهمیت بسیار در کشور ما بکر مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است (نوری مطلق، ۱۳۹۶). نیمکره چپ به فرایندهای اطلاعات عددی و کلامی که نتایج آنها در حالت های خطی و دستوری کاربردی دارند، تخصیص داده شده است. این قسمت از مغز فعالیت های ذهنی، منطقی عقلانی و تحلیل گرانه را انجام میدهد و توانایی طبقه بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات را دارا است. نیمکره راست مبتکر، خلاق و نوآور بوده، قسمت های غیرذهنی مغز ما را فعال می کند. این قسمت پیرامون اشکال سه بعدی و تصاویر به بحث پرداخته و توانایی فهم ترکیبات پیچیده و ساختارهای در هم پیوسته را داراست (نوری مطلق، ۱۳۸۹). بنابراین می توان ادعا کرد که در سطوح عالی مدیریت، برنامه ریزی بیشتر نیازمند تحلیل های استراتژیکی و مدیریتی است و در سطوح میانی و اجرایی مستلزم تحلیل های عملیاتی و مهندسی است (آقایی، ۱۳۸۳). لذا هدف از این مطالعه بررسی علل و عوامل حاکمیت چپ مغزی و مهندس زدگی در نظام تصمیم گیری ایران در دولت های بعد از انقلاب می باشد.

پیشینه تحقیق

رحیمی نیک در سال ۱۳۷۷ به بررسی مدیریت متافیزیک به مطالعه الگوهای مدیریت مبتنی بر راست مغزی و چپ مغزی پرداخته است.

منتیس برگ در سال ۱۳۷۶ به بررسی برنامه ریزی با سمت چپ مغز و مدیریت با سمت راست آن پرداخته است. لین وایت در سال ۲۰۰۰ به بررسی زمان خود را مدیریت کنید، به شیوه های مدیریت زمان بر اساس خصوصیات راست مغزی و چپ مغزی توجه خاص نموده.

گایتون در سال ۱۹۹۶ در کتاب فیزیولوژی پزشکی در رابطه با تفاوت های فیزیولوژی راست مغزی و چپ مغزی و توصیف آنها مطالبی ارائه کرده است.

میشل در سال ۱۹۹۸ در مقاله بیابید بنویسیم و بهترین کلمات را از میان تمام حالت های ممکن به دست آوریم، به تاثیر موضوع راست مغزی و چپ مغزی در فرایند نوشتن و روش های ارتقای توانایی انسان در این زمینه با استفاده از این خصوصیات پرداخته است.

روش کار

در این مطالعه با استفاده از روش تحقیقی توصیفی و با گردآوری منابع کتابخانه ای با استفاده از کلیدواژه ها، چپ مغزی، تفکر چپ مغزی، مهندس زدگی، تصمیم گیری، نظام تصمیم گیری، دولت های پس از انقلاب و... در پایگاه های علمی مختلف اعم از سیویلیکا، ایران داک، گوگل اسکولار، پایگاه علمی جهاد دانشگاهی، پرتال جامع علوم انسانی و... به بررسی بررسی علل و عوامل حاکمیت تفکر چپ مغزی (مهندس زدگی) در نظام تصمیم گیری ایران در دولت های بعد از انقلاب پرداخته شد و نتایج به شرح ذیل گردآوری گردید:

یافته ها

نیمکره راست مغز سمت چپ بدن را کنترل می کند. یک شخص راست مغز در کارهای هنری سرآمد است. بصری و شهودی است. به آن مغز آنالوگ نیز گفته می شود. نیمکره راست مغز مسئول موارد زیر است:

- خلاقیت
- خیال پردازی
- بینش
- تفکر کل نگر
- هنر

- تجسم احساسات
 - نشانه‌های غیر کلامی
 - ریتم
 - خیال بافی
 - احساسات
- افراد راست مغز معمولاً در زمینه‌های زیر برتری دارند:

- طراحی گرافیکی
- طراح داخلی
- نوازنده
- نقاش
- روانشناس
- مشاور
- مدیر

ویژگی های مربوط به افراد چپ مغز

این نوع از مغز یک مغز تحلیلی می باشد . افراد چپ مغز عموماً هدفمند ، منظم و دارای فکر انتقادی هستند و ویژگی های زیر در ذهن آن ها وجود خواهد داشت:

- درک مطلب و زبان بسیار قدرتمند
- استفاده از منطق
- مهارت های محاسباتی
- آنالیز اطلاعات
- حقیقت گرا و جزئی نگر

ویژگی های افراد راست مغز

افراد راست مغز جزء افرادی هستند که خلاقیت بالایی دارند . الگو های فکری در آن ها به احساسات وابسته است. این افراد انسان های خوب و فیلسوفی هستند. بعضی از ویژگی های کلیدی این افراد شامل موارد زیر است:

- توانایی در انجام وظایف خلاقانه و ابرازی
- دارای فکر آزاد
- نگاه به تصویری وسیع تر از زندگی
- اعتماد به استعداد های خود
- افکار خیالی

چه شغل هایی برای چپ مغز ها مناسب است؟

بعضی از شغل های مناسب برای چپ مغز ها شامل موارد زیر است:

- وکیل
- مهندس امنیت و سلامت
- علوم پزشکی
- تحلیل گر اجرای تحقیقات
- تخمین زن هزینه

- علوم یادگیری ماشین
- برنامه ریزی کامپیوتر

ویژگی های تفکرات راست مغزی، چپ مغزی

بیشتر ما به طور معمول در فرایندهای ذهنی از یک نیمکره مغز استفاده بیشتری می بریم (Mitchell ۱۹۹۸). نیمکره های مغز همچنین به بخش های جلویی و عقبی تقسیم میشوند. افرادی که دارای خصوصیت چپ مغزی قوی تری هستند و با قسمت های جلویی مغز خود می اندیشند، مشکلات را با استفاده از تفکر منطقی تحلیلگر، عقلانی هدفمند و نقاد حل می کنند. این اشخاص در کارهای تفکیکی و کمی استعداد و توانایی دارند. آنها می توانند به درستی و به صورت عملی در مسائل قضاوت کنند و در موقعیت ها و مشکلات از روش های عینی و برش دار استفاده کنند. آنها به خوبی با وضعیت های واقعی رو در رو شده با دقت هر امری را اندازه گیری و محاسبه می کنند (نوری مطلق، ۱۳۸۹). گروه دیگر اشخاصی هستند که بیشتر از قسمت عقبی نیمکره چپ مغز استفاده می کنند. این افراد با دیدگاه عملی، متاثرانه نگرش های قطعی و واقع گرا، تفکر سازمان دهنده و اندیشه های جز گرایانه از دیگران جدا می شوند. آنها به دنبال روش های حل گام به گام احتیاجات و مشکلات می گردند و به خوبی از تاکتیک ها و مدل های دنبال کردن برای انتخاب کوتاه ترین و به شیوه های برنامه ریزی و طراحی علاقه مند هستند (نوری مطلق، ۱۳۹۶).

اندیشه ها و تفکرات افراد راست مغز که بیشتر با قسمت های جلوی مغز خود فکر میکنند با تصورات و تخیلات، ابداع و نوآوری، خلاقیت، هنرمندی و روش های دیداری مشخص می شوند. این افراد در کارهای خود از توانایی بالایی در ترکیب کردن و نگرش های مفهومی برخوردارند. آنها معمولاً در موقعیت ها و مشکلات، دیدگاه های عمیق و کامل ارائه می کنند و می توانند در مسائل، دیدگاهی باز و اندیشه هایی اصولی و راهبردی ارائه کنند. این افراد در گروه گرای، جمع بندی و مقایسه کردن توانا بوده، اندیشه ها را با یکدیگر ترکیب کرده و به مفاهیمی پویا و بی نظیر دست می یابند و ترجیح میدهند برای حل مشکلات، راه های ویژه خود را دنبال کرده و از روش های ابداعی استفاده می کنند. همچنین خطرپذیری بالا داشته و موانعی که در راه پیشرفت آنها پدید می آید را خرد کرده و از میان بر میدارند (همان).

تفکر چپ مغزی

تفکر چپ مغزی را به عنوان عامل اصلی تنزل بهره‌وری در سازمان‌ها مورد بررسی قرار (مهندس‌زدگی)-کارآیی-اثربخشی-سطوح مدیریت-مهارت‌های مدیر. مدیریت در سازمان‌ها در سطوح مختلفی قابل بررسی است. این سطح از مدیران در ارتباط مستقیم فعالیت‌های اجرایی و اصلی سازمان هر یک از سطوح سه‌گانه مدیریت که در بالا اشاره شد برای انجام وظایف خود (ب)مهارت‌های انسانی بیانگر نحوه برقراری ارتباط با دیگران است. (ج)مهارت‌های ادراکی-تحلیلی بیانگر قوه درک و تحلیل مسائل سازمانی است (آقایی، ۱۳۸۳).

مهندس زدگی

بر طبق تحقیقات انجام شده، مغز به دو قسمت چپ و راست تقسیم می شود که هر قسمت توانایی های خاص خود را دارد. ویژگی ها و تواناییهای افرادی که چپ مغز هستند یا به نوعی در تقویت توانمندیهای سمت چپ مغز خود بیشتر فعالیت داشته اند و در یک کلام «مهندس» هستند بیشتر برای سطوح عملیاتی و مدیران عملیاتی مناسب میباشند که با شرایط اطمینان کامل و فعالیتهای دقیق و منطقی سر و کار داشته و نیازی به تحلیلهای کلان و تصمیمات آنی ندارند. چپ مغزها افرادی، نکته بین، سخن سنج و منطقی هستند و به مشاغلی مانند حسابداری، تدریس ریاضیات و نهایتاً علوم فنی و مهندسی می پردازند. در نقطه مقابل «مهارت‌های ادراکی» هستند که تأکید بر دریافت محرک‌های محیطی توسط حواس انسانی و شهود و سپس تعبیر و تفسیر و تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری از آنها در سمت راست مغز دارند. افراد راست مغز به سبب برخوردار بودن از قوه شهود و درک مستقیم و داشتن شم مدیریت و خلاقیت به فعالیتهایی چون شاعری، هنر، فروشنده‌گی و مدیریت استراتژیک روی می آورند.

نهایتاً اینکه «مهندس زدگی» شاید در سطوح عملیاتی و برای مدیران سطوح پایین موثر باشد اما برای مدیران سطوح عالی سازمان و تصمیم‌گیریهی استراتژیک سمی مهلک و کشنده است و در این سطوح، مدیریت استراتژیک نیازمند مهندسی‌زدایی اساسی است. تفکر مدرن معتقد به «برنامه‌ریزی» در مدیریت استراتژیک است حال آنکه پست مدرن، به ایجاد یا اختراع (invention) تأکید دارد. پست مدرن مدیریت را از ناحیه هنر می‌شناسد نه علم و روی این اساس است که نیمکره سمت راست مغز را مطرح می‌سازد و می‌گوید مدیر باید خلاق باشد چرا که با اطلاعات موجود، کامپیوتر بهتر از سمت چپ مغز تصمیم‌گیری می‌کند. آنچه اهمیت دارد این است که شما بتوانید یک تصمیم شهودی بگیرید، یک ایده جدید خلق کنید و حرفی تازه برای گفتن داشته باشید (خاکی، ۱۳۷۶).

مهندسی‌زدایی از مدیریت استراتژیک (مهندسی‌زدگی در مدیریت استراتژیک)

همانطور که می‌دانید مغز به دو قسمت چپ و راست تقسیم می‌شود که هر قسمت توانایی‌های خاص خود را دارد. ویژگی‌ها و تواناییهای افرادی که چپ مغز هستند یا به نوعی در تقویت توانمندیهای سمت چپ مغز خود بیشتر فعالیت داشته‌اند و در یک کلام «مهندس» هستند بیشتر برای سطوح عملیاتی و مدیران عملیاتی مناسب می‌باشند که با شرایط اطمینان کامل و فعالیتهای دقیق و منطقی سر و کار داشته و نیازی به تحلیلهای کلان و تصمیمات آنی ندارند. چپ مغزها افرادی، نکته بین، سخن سنج و منطقی هستند و به مشاغلی مانند حسابداری، تدریس ریاضیات و نهایتاً علوم فنی و مهندسی می‌پردازند. در نقطه مقابل «مهارتهای ادراکی» هستند که تأکید بر دریافت محرکهای محیطی توسط حواس انسانی و شهود و سپس تعبیر و تفسیر و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از آنها در سمت راست مغز دارند. افراد راست مغز به سبب برخورداری از قوه شهود و درک مستقیم و داشتن شم مدیریت و خلاقیت به فعالیتهایی چون شاعری، هنر، فروشنده‌گی و مدیریت استراتژیک روی می‌آورند.

در تعریف استراتژی عمدتاً دو رویکرد کلی وجود دارد:

الف- رویکرد سنتی مبتنی بر قصد و نیت قبلی: در رویکرد سنتی، استراتژی به عنوان تعیین اهداف و مقاصد بلند مدت سازمان و مشخص کردن نحوه انجام فعالیتهای تعریف شده و الگو یا طرحی است که اهداف اصلی خط مشی‌ها و توالی فعالیتهای رویه‌ها را به طور یکپارچه در قالب یک مجموعه بهم پیوسته قرار می‌دهد.

ب- رویکرد نوین- مبتنی بر اضطرار: از نظر هنری مینتربرگ، برنامه‌ریزی عقلایی برای رسیدن به اهداف مشخص، پیش فرضی غلط است. و استراتژی، واکنشی اضطراری به شرایط غیرقابل پیش‌بینی است که نیاز به قوه شهود و الهام و ادراک و تحلیل در سطح بالا و ذهنی تخیلی و نوآور و روحیه‌ای بی‌پروا و خنجر و ریسک‌پذیر دارد. او معتقد است استراتژیها بر اساس اضطرار حادث شده و به صورت تصمیمات آنی و در لحظه، جهت حل مسائل و مشکلات غیرقابل پیش‌بینی طراحی می‌گردند (کلاکی، ۱۳۹۱).

حاکمیت تفکر چپ مغزی در نظام تصمیم‌گیری ایران

مدیریت در سازمان در سطوح مختلفی قابل بررسی است پایین‌ترین سطح مدیریت بیانگر مدیران اجرایی است که اصطلاحاً مدیران خط آتش نیز نامیده می‌شوند. این سطح از مدیران در ارتباط مستقیم فعالیت‌های اجرایی و اصلی سازمان هستند. به همی دلیل مدیران عملیاتی نامیده می‌شود. بالاترین سطح مدیریت بیانگر سطح مدیریت عالی است که در راس هرم سازمانی قرار دارد. سطح دیگر مدیریت بیانگر مدیران میانی سازمان است. این سطح از مدیران به عنوان حلقه اتصال و ارتباط بین مدیران عالی و عملیاتی سازمان می‌باشند. هر یک از سطوح سه‌گانه مدیریت برای وظایف خود نیازمند مهارت‌های خاصی می‌باشد (غلامی، ۱۳۹۳).

هر یک از سطوح سه‌گانه مدیریت برای وظایف خود نیازمند مهارت‌های خاصی می‌باشند. مهارت مدیران در سه دسته کلی قابل طرح است:

- مهارت‌های فنی که بیانگر میزان توانایی فنی و تخصصی افراد در استای انجام وظایف است
- مهارت‌های انسانی بیانگر نحوه برقراری ارتباط با دیگران است

- مهارت های ادراکی تحلیلی بیانگر قوه درک و تحلیل مسائل سازمانی است.

مهارت های انسانی مورد نیاز هر مدیر در هر سطح سازمان می باشد. زیرا هر مدیری باید نحوه برخورد و برقراری ارتباط مناسب با دیگران را بداند. به همین دلیل می توان ادعا کرد که ارتباطات قلب مدیریت است. مهارت های فنی و بخصوصی برای مدیران اجرایی عملیاتی که ارتباط مستقیم با فعالیت های سازمان دارند. بیشتر مورد نیاز است تا سطوح بالای مدیریت. هدر قدر در سطوح مدیریت بالاتر برویم علاوه بر مهارت های انسانی به مراتب به میزان بیشتری نیازمند مهارت های ادراکی و تحلیلی و به میزان کمتری نیازمند مهارت های فنی هستیم (همان). همانطور که گفته شد در سطوح عالی برنامه ریزی بیشتر نیازمند تحلیل های استراتژیک و مدیریتی می باشد و در سطوح میانی و اجرایی، مستلزم تحلیل های عملیاتی و مهندسی می باشد. این دو نوع نگاه تحت عنوان راست مغزی و چپ مغزی دسته بندی می شود. در ایران به نظر می رسد که یکی از آسیب های مهم ساختار تصمیم گیری نفوذ چپ مغزی در مشاغل است که باید با راست مغزی به پیش رود. این چنین آسیب و آفتی را می توان مهندس زدگی نامید که متأسفانه دامن گیر مقوله سیاست های ایران و تصمیم گیری های دولت بعد از انقلاب شده است (قربانزاده، ۱۳۹۲).

این مساله در نظام بهره وری ایران مشکل ایجاد می کند. البته پایه برنامه پنج ساله چهارم توسعه در راستای سند چشم انداز توسعه ۲۰ ساله کشور حول محور رشد اقتصادی مبتنی بر دانایی تنظیم شده است که ارتباطی منطقی با موضوع بهره وری عوامل تولید به ویژه نیروی انسانی دارد. در برنامه چهارم توسعه به ارتقای بهره وری و عوامل موثر بر ارتقای آن در کل اقتصاد و بخش های اقتصادی توجه شده است (همان).

بحث و نتیجه گیری

طبق نتایج به عمل آمده شد در سطوح عالی برنامه ریزی بیشتر نیازمند تحلیل های استراتژیک و مدیریتی می باشد و در سطوح میانی و اجرایی، مستلزم تحلیل های عملیاتی و مهندسی می باشد. این دو نوع نگاه تحت عنوان راست مغزی و چپ مغزی دسته بندی می شود. در ایران به نظر می رسد که یکی از آسیب های مهم ساختار تصمیم گیری نفوذ چپ مغزی در مشاغل است که باید با راست مغزی به پیش رود. این چنین آسیب و آفتی را می توان مهندس زدگی نامید که متأسفانه دامن گیر مقوله سیاست های ایران و تصمیم گیری های دولت بعد از انقلاب شده است. لذا باید به این مساله بسیار توجه داشت و در راس مسائل مدیریتی قرار داد.

منابع و مأخذ

۱. آقایبی، عنایت اله، ۱۳۸۳، حاکمیت تفکر چپ مغزی (مهندس زدگی)، پژوهش های مدیریت راهبردی، سال یازدهم، شماره ۳۲-۳۳.
۲. خاکی، غلامرضا، ۱۳۷۶؛ آشنایی با مدیریت بهره وری، انتشارات کانون فرهنگی انتشاراتی سابهنما،
۳. رحیمی نیک، ۱۳۷۷، مدیریت متافیزیکی، پایان نامه دکتری رشته مدیریت بازرگانی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
۴. غلامی، عباسعلی، ۱۳۹۳، مطالعه تطبیقی وضعیت راست مغزی و چپ مغزی مدیران و رابطه آن با عملکرد آنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۵. قربانزاده، منصور، ۱۳۹۲، مدیریت بهره وری، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۵۸.
۶. کلاکی، نرگس، ۱۳۹۱، کتاب انجمن اسلامی مهندسين، روایتی از سرگذشت یکی از نهادهای مدنی ایران در سده اخیر، ناشر کویر
۷. گایتون، آرتور، ۱۳۸۷، فیزیولوژی پزشکی، ترجمه احمدرضا نیاروانی، محمدرخشان، اندیشه،
۸. نوری مطلق، علی، ۱۳۸۸، نقش راست مغزی چپ مغزی در پدیداری و پایداری فرهنگ ها و تمدن ها، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۴.

۹. نوری مطلق، علی، ۱۳۹۶، ارزیابی و کاهش فاصله گفتمانی سازمان های فرهنگی و مخاطبان بر اساس راست مغزی و چپ مغزی، راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۵.

10. Mitchell W. D. (1998), Left Brain, Right Brain, Come Write, available at: www.la.mitchell.blogspot.com/2009/10/28